

هستی و چیستی

در این درس می‌خوانیم
تعیین نسبت میان وجود (هستی) و ماهیت (چیستی) در موجودات
تشخیص دو مفهوم هستی و چیستی در یک موجود و نحوه حمل وجود و هستی بر ماهیات مختلف

مشاوره

• موضوع دانش فلسفه، «هستی» یا «وجود» است:

دانش فلسفه ← وجودشناسی

• معرفت‌شناسی هم که درباره حقیقت علم صحبت می‌کند، بخشی از وجودشناسی به معنای عام آن است؛ زیرا حقیقت علم خود قسمی از اقسام وجود است. بنابراین:

وجودشناسی ← معرفت‌شناسی ← حقیقت علم

• مباحث اصلی فلسفه (مباحث پیرامون وجود) شامل مباحثی مانند رابطه هستی و چیستی، جهان ممکنات، مفاهیم امکان و ضرورت و امتناع، علت و معلول و رابطه علیت در جهان می‌شود.

هستی و چیستی

یکی از مباحث اولیه فلسفه، تعیین نسبت و درک دو مفهوم «هستی (وجود)» و «چیستی (ماهیت)» است؛ زیرا این دو مفهوم از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها هستند و معمولاً در کنار هم به کار می‌روند.

ماهیت و چیستی

• ماهیت عبارت است از چیستی هر شیء. مثلاً در زندگی، همیشه «چیزهایی» در اطرافمان وجود دارند و به حسب نیاز از آن‌ها استفاده کرده و نیازمان را برطرف می‌کنیم که واقعی هستند مانند آب، درخت، میوه و... و برخی چیزها هستند که واقعی و موجود تصور کرده‌ایم در حالی که خیالی و غیرواقعی هستند؛ مانند ققنوس، سراب و...

پس: ماهیات موجود در ذهن به دو دسته تقسیم می‌شود:

- ۱ ماهیتهایی که در جهان خارج از ذهن وجود دارند (واقعیت یا واقعیت‌هایی وجود دارند) مانند اشیای جهان اطراف ما
- ۲ ماهیتهایی که در جهان خارج از ذهن وجود ندارند (فرض وجود برای چیزی موجب نمی‌شود که آن چیز، موجود واقعی باشد بلکه ممکن است زائیده تخیلات افراد باشد) مانند دیو، سیمرغ و...

وجود و هستی

وجود مفهومی است که دلالت بر هستی یک موجود دارد؛ مثلاً وقتی به حیوانی اشاره می‌کنیم و می‌گوییم «این چیست؟» به این امر اشاره کرده‌ایم که وجود و هستی را برای آن حیوان در نظر گرفته‌ایم و حال با توجه به موجود بودن آن حیوان، به دنبال شناخت ماهیت و چیستی آن هستیم.

نکته مفهومی

مفهومی که در قضایای مربوط به وجود در جایگاه موضوع قرار می‌گیرد، **ماهیت** و مفهومی که نشان‌دهنده هستی یا نیستی آن موضوع است و در جایگاه محمول قرار می‌گیرد **وجود** و **هستی** نامیده می‌شود.

مثال **فیل وجود دارد** ← فیل، «ماهیتی» است که محمول «وجود» بر آن حمل شده است.

ماهیت هستی
(چیستی) (وجود)

نکته استفاده از ضمائر اشاره مانند «این» و «آن» و نظایر آن نشان می‌دهد که مفهوم وجود برای شیء یا مفهوم مدنظر ما ثابت شده است و به دنبال شناخت «ماهیت یا چیستی» آن مفهوم هستیم؛ یعنی می‌خواهیم بدانیم این موجود چه ویژگی‌های مخصوصی دارد که آن را از دسته دیگر موجودات متفاوت و متمایز می‌کند. این ویژگی‌های مخصوص را در منطق و فلسفه، ذاتیات یک شیء می‌گویند. به عبارت دیگر: ماهیت و چیستی هر شیء، بیان‌کننده ذاتیات آن شیء است.

مثال این چیست؟ ← این حیوان بزرگ و تنومند، فیل نام دارد.

نتیجه‌گیری

انسان در هر چیزی که مشاهده می‌کند (با آن مواجه می‌شود)، دو جنبه می‌یابد:

۱ وجود (هستی): وجه مشترک موجود است.

۲ ماهیت (چیستی): وجه اختصاصی موجود است.

مثلاً وقتی حیوانی را می‌بینیم هم به وجود داشتن آن و هم به ماهیت و ویژگی‌های آن پی می‌بریم و به عبارت دقیق‌تر، ابتدا وجود هر چیزی را اثبات می‌کنیم و بعد به بررسی ماهیت آن می‌پردازیم.

مغایرت وجود و ماهیت

• فارابی، فیلسوف بزرگ مسلمان، به نسبت میان «وجود» و «ماهیت» توجه ویژه‌ای کرد و در تمایز و تفاوت میان این دو مفهوم نکاتی را مطرح کرد. ابن‌سینا راه فارابی را ادامه داد و بیان کرد که وقتی می‌گوییم «هستی» و «چیستی» دو مفهوم از یک چیزند، به این معنا نیست که آن‌ها دو جزء از یک موجودند که با هم ترکیب یا جمع شده باشند مثل اکسیژن و هیدروژن که دو جزء تشکیل‌دهنده آب هستند یا حتی مثل کاغذ و رنگ کاغذ هم نیستند که بگوییم کاغذ، سفید است یا رنگ دیگری است.

نکته در واقع تفاوت وجود و ماهیت در ذهن است نه در عالم خارج؛ یعنی مثلاً وقتی می‌گوییم انسان موجود است تفاوت «انسان» که ماهیت است و «وجود» فقط در «ذهن» و از جهت «مفهوم» است و «الآن» در عالم خارج تفاوتی بین وجود و ماهیت نیست؛ یعنی در عالم خارج، وقتی به «انسان» اشاره می‌کنیم دو امر جداگانه به نام «وجود» و «انسان» نداریم؛ به عبارت دیگر، «انسان» و «وجود انسان» دو مفهوم مختلف و متفاوت در ذهن هستند نه دو موجود جداگانه در عالم خارج.

(صفحه ۴ کتاب درسی) - تکمیل گزاره‌ها

سؤال ۱ در اطراف ما اشیای فراوانی وجود دارند که هم «چیستی» آن‌ها را می‌شناسیم و هم از «هستی» شان خبر داریم؛ مانند:

۲ برخی امور وجود دارند که از «هستی» شان خبر داریم اما «چیستی» آن‌ها هنوز چندان برای ما روشن نیست؛ مانند:

۳ «چیستی» های فراوانی را هم می‌توانیم در ذهن خود حاضر کنیم؛ در حالی که می‌دانیم این امور، حداقل تاکنون در خارج موجود نشده‌اند؛ مانند:

پاسخ ۱ آب، میوه‌ها، حیوانات و ...

۲ جاذبه، انرژی، روح، نور و ...

۳ پری دریایی و سایر موجوداتی که در افسانه‌ها و داستان‌های تخیلی آمده‌اند.

نکته از مغایرت وجود و ماهیت با تعابیر دیگری مانند «زیادت وجود بر ماهیت در ذهن» یا «عدم عینیت وجود و ماهیت در ذهن» نیز یاد می‌شود. به این دو قضیه توجه کنید: **۱** انسان، حیوان ناطق است. **۲** انسان، موجود است.

در عبارت «انسان حیوان ناطق است»، انسان به وسیله «حیوان ناطق» که محمول قضیه است تعریف شده است؛ در واقع انسان همان حیوان ناطق است یعنی حیوان ناطق بودن از انسان جدایی‌ناپذیر است مانند مثلث که برای شکل سه ضلعی استفاده می‌شود.

در این نوع تعریف، فقط تفاوت موضوع و محمول در گستردگی استفاده از مفاهیم است مثلاً لفظ انسان، مختصرتر از لفظ حیوان ناطق است. بنابراین حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» حمل چپستی و ذاتیات خود او است و به دلیل نیاز ندارد؛ یعنی نمی‌توان پرسید چه عاملی باعث شد که حیوان ناطق را بر انسان حمل کردید دقیقاً مانند حمل سه‌ضلعی بر مثلث. اما در عبارت «انسان، موجود است» برای این‌که مفهوم «وجود» را بر مفهوم «انسان» حمل کنیم، نیازمند دلیل هستیم تا بتوانیم بگوییم «انسان، موجود است». بنابراین در این نوع قضایا، حمل «وجود» بر هر «چپستی» از جمله «انسان» نیازمند دلیل است مانند قضایای «انسان شیر است» یا «انسان مخلوق است».

نکته این دلیل می‌تواند از طریق **حس یا تجربی** به دست آید یا از طریق **عقل محض**. سایر ماهیت‌ها و چپستی‌ها نیز نسبت به مفهوم وجود، همین حالت را دارند. بنابراین مفهوم «انسان» به عنوان یکی از چپستی‌ها، با مفهوم وجود، مغایر است و رابطه ذاتی میان آن‌ها برقرار نیست. برای فهم بهتر این مطالب، به توضیحات زیر دقت کنید:

نکته مفهومی

گاهی موضوع و محمول از جهت «مفهوم» و «مصادق» با یکدیگر وحدت دارند و فقط از جهت اجمال و تفصیل (اختصار یا گستردگی توضیح و تبیین) با یکدیگر اختلاف دارند. مثلاً «حیوان ناطق» و «انسان» از نظر مصادق و مفهوم یکسان هستند ولی فقط مفهوم توضیح انسان، مختصرتر از توضیح مفهوم حیوان ناطق است. گاهی نیز موضوع و محمول از نظر «مفهوم» مختلف هستند اما در مصادق وحدت و اشتراک دارند. این امر به این دلیل است که در اصطلاحات عرفی و رشته‌ها و صنایع علمی و ادبی این نوع تعریف، رواج و شیوع دارد مثلاً در قضیه «انسان موجود است»، «انسان» و «موجود» دو مفهوم مختلف هستند ولی «انسان» از مصادیق انواع «موجودات» محسوب می‌شود.

(صفحه ۶ کتاب درسی) - **بررسی**

سؤال اگر مفهوم «وجود» عین مفهوم «ماهیت» یا جزء آن بود، آیا مشکل و مسئله‌ای پیش می‌آمد؟ پاسخ مثبت یا منفی خود را توضیح دهید.

پاسخ بله قطعاً مشکل ساز می‌شد! چون در این صورت به محض این‌که چیزی را تصور می‌کردیم (یعنی ماهیت آن برای ما مشخص می‌شد) باید وجودش هم اثبات می‌شد در حالیکه این چنین نیست مثلاً با این‌که ماهیت و چپستی سیم‌رغ یا ققنوس برای ما مشخص است ولی می‌دانیم که وجود و هستی ندارند. بنابراین وجود و ماهیت در ذهن با یکدیگر مغایرت دارند (یا به عبارتی دیگر، مفهوم وجود و ماهیت در ذهن با یکدیگر عینیت ندارد).

(صفحه ۶ کتاب درسی) - **بازبینی**

سؤال به فعالیت «تکمیل کنید» برگردید و با توجه به بیان ابن‌سینا، به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

۱ آیا سه گزاره طرح‌شده، با بیان ابن‌سینا هماهنگ‌اند؟

۲ کدام گزاره نظر ابن‌سینا را بیشتر تأیید می‌کند؟

پاسخ ۱ بله، همه گزاره‌ها با بیان ابن‌سینا هماهنگ هستند و تضادی با قول ایشان ندارد.
۲ گزاره‌های دوم و سوم با روشنی بیشتری تمایز وجود از ماهیت را می‌رسانند، زیرا در گزاره دوم این نکته آمده که هستی برخی از امور را می‌شناسیم اما ماهیت آن‌ها روشن نیست. در گزاره سوم نیز گفته شده که ما می‌توانیم ماهیاتی را در ذهن بیاوریم در حالی که ممکن است اصلاً موجود نباشند. در گزاره اول سخنی از تمایز میان وجود و ماهیت نیست و فقط گفته شده که ما از اشیای پیرامون خود دو مفهوم چپستی و هستی را به دست می‌آوریم.

گذری تاریخی (سیر تاریخی مغایرت وجود و ماهیت)

- به علت توجه خاص ابن‌سینا این بحث به عنوان «مغایرت وجود و ماهیت» و یا عناوین مشابه، مقدمه طرح مباحث جدیدی قرار گرفت؛ به گونه‌ای که گفته‌اند «فرق بین ماهیت و وجود، بی‌تردید یکی از اساسی‌ترین آراء و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است.» این نظر، پایه یکی از برهان‌های ابن‌سینا در اثبات وجود خدا به نام برهان «وجوب و امکان» نیز قرار گرفت.
- یکی از فیلسوفان بزرگ اروپا به نام «توماس آکوئیناس» که با فلسفه ابن‌سینا آشنا بود، اصل مغایرت وجود و ماهیت را در اروپا گسترش داد و زمینه‌ساز گفت‌وگوهای فراوانی در آنجا شد.
- آکوئیناس همچون ابن‌سینا، این نظر را پایه برهان‌های خود در خداشناسی قرار داد و پایه‌گذار مکتب فلسفی «تومیسسم» در اروپا شد که هنوز هم به نام وی در جریان است.
- توماس آکوئیناس که در قرن ۱۳ میلادی زندگی می‌کرد، فلسفه‌ای را در اروپا پایه‌گذاری نمود که بیشتر متکی به دیدگاه‌های ابن‌سینا و تا حدودی «ابن‌رشد» بود. همین امر فرصتی را فراهم کرد تا فلاسفه غرب با اندیشه‌های فلسفی و عقلی ابن‌سینا و ابن‌رشد آشنا شوند و از این طریق، مجدداً با فلسفه ارسطویی ارتباط برقرار کنند.

نکته از قرن ۱۶ میلادی، با رشد تجربه‌گرایی، این دیدگاه‌ها جای خود را به فلسفه‌های **حسن‌گرا** و **تجربه‌گرا** دادند و فرصت رشد و گسترش بیشتر پیدا نکردند. نظر ابن‌سینا مورد توجه فلاسفه مسلمان نیز قرار گرفت و زمینه‌ساز گفت‌وگوهای مهم فلسفی در جهان اسلام نیز گردید که تا امروز هم ادامه یافته است.

(صفحة ۷ کتاب درسی) - **به کار ببندیم**

سؤال ۱ قضیه انسان موجود است را با کدام یک از قضایای زیر می‌توان مقایسه کرد؟

۱) انسان بشر است. ۲) انسان حیوان است. ۳) انسان مخلوق است.

۲) شبی علی و محمد در حال گفت‌وگو بودند. از دور، سایه چیزی شبیه یک حیوان نشسته را دیدند. علی گفت: آن یک «سگ» است، ولی محمد گفت: آن یک «گرگ» است، وقتی کمی نزدیک‌تر شدند، دیدند نه سگ است و نه گرگ، بلکه یک تخته سنگ است! به نظر شما چه نتیجه‌ای می‌توان در مورد نسبت میان چیستی و هستی گرفت؟

۳) به گزاره‌های زیر توجه کنید و بگویید حمل کدام یک از محمول‌ها به موضوع‌ها نیازمند دلیل است و چرا؟

۱. انسان حیوان است. ۲. انسان شیر است. ۳. انسان عجول است.
 ۴. انسان ناطق است. ۵. انسان موجود است.

۴) آیا در قضیه «مثلث سه ضلعی است» حمل محمول بر موضوع نیاز به دلیل دارد؟ چرا؟

پاسخ ۱ قضیه انسان موجود است، با قضیه انسان مخلوق است، مشابه است؛ زیرا هم مخلوق و هم موجود، از ذاتیات انسان نیست و حمل آن بر انسان، نیازمند دلیل است؛ اما بشر و حیوان، ذاتی انسان هستند و دلیل نمی‌خواهند.

۲) این تمرین گویای آن است که انسان، میان وجود و ماهیت تمایز قائل می‌شود، یعنی با این‌که می‌داند موجودی هست ولی نمی‌داند که آن موجود چیست؛ و نیز انسان برای وجود، یک معنا در ذهن دارد و با اینکه نسبت به ماهیت آن موجود، شک و تردید دارد که چه ماهیتی است اما این شک و تردید به وجود آن موجود سرایت نمی‌کند.

۳) ۱. حمل ذاتی است و دلیل نمی‌خواهد. / ۲. حمل ممتنع است زیرا نه به لحاظ مفهومی جزء مفهوم انسان است و نه به لحاظ خارج، شیر و انسان یکی هستند. / ۳. حمل ذاتی نیست و دلیل می‌خواهد. / ۴. حمل ذاتی است و دلیل نمی‌خواهد. / ۵. حمل ذاتی نیست و دلیل می‌خواهد. / ۴. سه ضلعی، ویژگی ذاتی مثلث است و لذا حمل آن بر مثلث نیازمند به دلیل نیست.

درس در یک نگاه



سؤالات تشریحی

درس اول: هستی و چیستی

برای مشاهده فیلم
شب امتحان این درس
اسکن کنید.

سؤالات صحیح / غلط

۱. حمل «جسم» بر «مداد» و «خودکار» به دلیل نیاز دارد. (خرداد ۱۴۰۰)
۲. در عالم خارج، دو امر جداگانه به نام «آب» و «وجود» نداریم و آنها دو مفهوم مختلف از یک موجود واحدند. (شهریور ۱۴۰۰)
۳. حمل حیوان ناطق بر انسان، به دلیل نیاز دارد. (دی ۱۴۰۰)
۴. وجود وجه اختصاصی موجودات و ماهیت وجه مشترک آنها است. (خرداد و شهریور ۹۹)
۵. میان انسان به عنوان یک «ماهیت» و «وجود» رابطه ذاتی برقرار است. (دی ۹۹)
۶. وجود و ماهیت در خارج از ذهن، دو امر جداگانه هستند و مغایرت دارند. (دی ۹۹)
۷. «انسان» و «وجود» دو مفهوم مختلف و متفاوت اند نه دو موجود جداگانه.
۸. دو مفهوم «حیوان ناطق» و «انسان» از یکدیگر جدایی پذیرند.
۹. دو عبارت «هر انسانی حیوان ناطق است.» و «هر حیوان ناطقی انسان است.» هر دو صادق اند.
۱۰. حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» یک «حمل ذاتی» است و به دلیل نیاز ندارد.
۱۱. در عبارت «انسان موجود است» مفهوم «وجود» از مفهوم «انسان» جداست و جزء تعریف آن قرار نمی‌گیرد.
۱۲. میان «انسان» به عنوان یک «چیستی» و «وجود» رابطه ذاتی برقرار نیست.
۱۳. «آگوستین» از طریق فلسفه ابن سینا؛ برهان «وجوب و امکان» را در اروپا گسترش داد و موجب گفت‌وگوهای فراوانی در آنجا شد.
۱۴. توماس آکوئیناس؛ پایه‌گذار مکتب فلسفه تومیسیم در اروپا شد که هنوز هم به نام وی در جریان است.
۱۵. فلاسفه غرب از طریق ابن سینا و ابن رشد مجدداً با فلسفه افلاطونی آشنا شدند.
۱۶. چون موضوع دانش فلسفه، وجود است، بنابراین فلسفه، مسائل پیرامون «وجود» را بررسی می‌کند.
۱۷. دو مفهوم وجود و ماهیت از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها هستند و معمولاً در کنار هم به کار می‌روند.
۱۸. در اطراف ما چیزهایی واقعی هست که بر حسب نیاز از آنها استفاده می‌کنیم و نیازمان را برطرف می‌سازیم.
۱۹. ما انسان‌ها می‌دانیم که اشیا و موجوداتی پیرامون ما وجود دارند اما نمی‌توانیم به آنها علم پیدا کنیم.
۲۰. برخی امور وجود دارند که از «هستی» شان خبر داریم اما «چیستی» آنها هنوز چندان برای ما روشن نیست.
۲۱. «چیستی»‌های فراوانی را می‌توانیم در ذهن خود حاضر کنیم؛ درحالی که می‌دانیم این امور، حداقل تاکنون در خارج موجود نشده‌اند.
۲۲. به ویژگی‌های مخصوص به خود موجودات که آنها را از دسته دیگر موجودات متمایز می‌کند در منطق و فلسفه، ذاتیات یک شیء می‌گویند.
۲۳. وجود و ماهیت هر شیء، بیان‌کننده ذاتیات آن شیء است.
۲۴. ابن سینا برای اثبات عینیت وجود و ماهیت دلایلی ذکر کرده است.
۲۵. حمل دارای اضلاع و متساوی‌الاضلاع بر مثلث به دلیل نیاز دارد.
۲۶. اگر فرض کنیم مفهوم وجود جزء مفهوم ماهیت باشد، آنگاه امور خیالی واقعاً وجود خواهند داشت.

سؤالات جای خالی

۲۷. کودک با استفاده از کلمه «این» و «آن» نشان می‌دهد که از اشیا آگاه است. (شهریور ۱۴۰۰)
۲۸. نام یکی از فلاسفه بزرگ اروپا که با فلسفه ابن سینا آشنا بود، و نظریه «فرق وجود و ماهیت» را پایه برهان خود در خداشناسی قرار داد، بوده است. (شهریور ۹۹)

۲۹. توماس آکوئیناس که با فلسفه ابن سینا آشنا بود، نظریه را پایه برهان خود در خداشناسی قرار داده بود. (دی ۹۹)
۳۰. همه موجودات از نظر «وجود» با هم اشتراک دارند و اختلاف آن‌ها از جهت می‌باشد. (دی ۹۸)
۳۱. کودک با استفاده از کلمه «این» و «آن» نشان می‌دهد که از وجود اشیا آگاه است اما از آنها آگاه نیست.
۳۲. ماهیت و چیستی هر شیء، بیان‌کننده آن شیء است.
۳۳. در عبارت «آهو حیوان است»، «آهو» و «حیوان» دو مختلف و متفاوت از یک موجود هستند نه دو امر جداگانه.
۳۴. موضوع دانش فلسفه است.
۳۵. فلسفه، مسائل پیرامون را بررسی می‌کند؛ بنابراین، اصل دانش فلسفه را می‌گویند.
۳۶. دو مفهوم و از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها هستند و معمولاً در کنار هم به کار می‌روند.
۳۷. وجه مشترک موجودات است و وجه اختصاصی آن‌ها است.
۳۸. در عبارت «انسان موجود است»، «انسان» و «وجود» دو مختلف و متفاوت اند نه دو جداگانه.
۳۹. در عبارت «انسان حیوان ناطق است»، حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» یک حمل است و به نیاز ندارد.
۴۰. در عبارت «انسان موجود است» مفهوم «وجود» از مفهوم «انسان» است و تعریف آن قرار نمی‌گیرد.
۴۱. در عبارت «انسان موجود است» میان انسان به عنوان یک و وجود رابطه ذاتی برقرار
۴۲. حمل «وجود» بر هر «چیستی» از جمله «انسان» نیازمند دلیل است حال این دلیل ممکن است از طریق حس و به دست آید یا از طریق
۴۳. فرق بین ماهیت و وجود، پایه یکی از برهان‌های ابن سینا در اثبات وجود خدا به نام برهان قرار گرفت.
۴۴. فلسفه‌ای که توماس آکوئیناس در اروپا ترویج کرد، بیشتر متکی به دیدگاه‌های و تا حدودی بود.
۴۵. در قرن ۱۳ میلادی، فلاسفه غرب از طریق ابن سینا و ابن رشد مجدداً با فلسفه آشنا شدند.

سؤالات دوگزینه‌ای

۴۶. در قرن ۱۳ میلادی فلاسفه غرب از طریق ابن سینا و ابن رشد، مجدداً با کدام فلسفه آشنا شدند؟ (خرداد ۱۴۰۰ و دی ۹۹)
- ۱ افلاطون
۲ ارسطو
۴۷. کودک با استفاده از کلمه «این» یا «آن» نشان می‌دهد که به چه چیزی از اشیا پی برده است؟ (دی ۱۴۰۰)
- ۱ وجود
۲ ماهیت
۴۸. کدام اصل، پایه برهان وجود و امکان ابن سینا قرار گرفته است؟ (خرداد ۹۹)
- ۱ مغایرت وجود و ماهیت
۲ تقدم علت بر معلول
۴۹. قضیه «زمستان سرد است» را با کدام قضیه می‌توان مقایسه کرد؟
- ۱ پلاتین فلز است.
۲ انسان فانی است.

کشف ارتباط

۵۰. هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه‌ها در سمت چپ مرتبط است؟

| | |
|-----------------------------------|-------------------|
| الف. وجه مشترک همه موجودات | ۱. از جهت مفهوم |
| ب. وجه اختصاصی همه موجودات | ۲. توماس آکوئیناس |
| ج. پایه‌گذار مکتب فلسفه «تومیسیم» | ۳. وجود |
| د. تفاوت وجود و ماهیت | ۴. ماهیت |
| ه. برهان خداشناسی ابن سینا | ۵. وجوب و امکان |

سؤالات پاسخ کوتاه

۵۱. به ترتیب، وجه مشترک و وجه اختصاصی موجودات چیست؟
(خرداد ۱۴۰۰ و دی ۹۹)
۵۲. یک فیلسوف مسلمان و یک فیلسوف اروپایی را که «نظریه مغایرت وجود و ماهیت» را پایه برهان خود در خدانشناسی قرار داده اند، نام ببرید. (دی ۱۴۰۰)
۵۳. موضوع دانش فلسفه چیست؟
۵۴. چرا اصل دانش فلسفه را «وجودشناسی» می‌گویند؟
۵۵. یکی از مباحث اولیه فلسفه چه بود؟
۵۶. وجه مشترک و وجه اختصاصی همه موجودات را بنویسید.
۵۷. به ترتیب، کدام فیلسوف مسلمان، به نسبت میان «وجود» و «ماهیت» توجه ویژه‌ای کرد و کدام فیلسوف راه وی را ادامه داد؟
۵۸. به نظر ابن‌سینا، دلایل حمل «وجود» بر هر «چیستی» از جمله «انسان» از چه طریقی به دست می‌آید؟
۵۹. یکی از اساسی‌ترین آرا و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی چه نام دارد؟
۶۰. یکی از برهان‌های ابن‌سینا در اثبات وجود خدا به چه برهانی معروف است؟
۶۱. توماس آکوئیناس کدام اصل را پایه برهان‌های خود در خدانشناسی قرار داد؟
۶۲. فلسفه‌ای که توماس آکوئیناس در قرن ۱۳ میلادی در اروپا پایه‌گذاری نمود، به دیدگاه‌های کدام فیلسوفان مسلمان متکی بود؟
۶۳. مکتب فلسفی‌ای که توماس آکوئیناس پایه‌گذار آن در اروپا شد چه نام دارد؟
۶۴. فلاسفه غرب از چه طریقی توانستند مجدداً با فلسفه ارسطویی آشنا شوند و ارتباط برقرار کنند؟

سؤالات پاسخ بلند

۶۵. چرا در حمل «شکل سه ضلعی» بر مثلث نمی‌توان از دلیل حمل سؤال کرد؟ (شهریور ۱۴۰۰)
۶۶. تفاوت حمل «حیوان ناطق» بر انسان با حمل «موجود» بر انسان چیست؟ توضیح دهید. (خرداد ۹۹)
۶۷. تفاوت حمل «شکل سه ضلعی است» بر مثلث با حمل «موجود» بر مثلث چیست؟ توضیح دهید. (شهریور ۹۹)
۶۸. در قضیه «انسان حیوان ناطق است» حمل «حیوان ناطق» بر انسان نیازمند دلیل است یا خیر؟ چرا؟ / یا آیا می‌توان پرسید چه عاملی باعث می‌شود «حیوان ناطق» را بر «انسان» حمل کنیم؟ چرا؟ (دی ۹۹ خارج کشور)
۶۹. علت اینکه تعیین نسبت میان دو مفهوم هستی و چیستی اشیا و موجودات یکی از مباحث اولیه فلسفه می‌باشد، چیست؟
۷۰. یک کودک به هنگام مواجه شدن با حیوانات می‌پرسد: «این حیوان» چیست؟ کودک با استفاده از کلمه «این» و «آن» می‌خواهد چه چیزی را نشان دهد؟
۷۱. منظور ابن‌سینا از این سخن که «هستی» و «چیستی» دو مفهوم از یک چیزند را با ذکر مثال توضیح دهید.
۷۲. در عبارت «انسان موجود است» تفاوت «انسان» و «وجود» از چه جهتی است؟
۷۳. با توجه به عقیده ابن‌سینا، توضیح دهید که آیا فهم ما از قضیه «انسان حیوان ناطق است» با فهم ما از قضیه «انسان موجود است» یکسان است؟ چرا؟
۷۴. رابطه بین دو مفهوم «انسان» و «وجود» چگونه است؟
۷۵. چرا نمی‌توان پرسید چه عاملی باعث می‌شود «حیوان ناطق» را بر «انسان» حمل کنیم؟
۷۶. آیا می‌توان پرسید چه عاملی باعث می‌شود «وجود» را بر «انسان» حمل کنیم؟ توضیح دهید.
۷۷. حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» چگونه حملی است؟ و چرا به دلیل نیازمند نیست؟
۷۸. با توجه به عقیده ابن‌سینا، توضیح دهید، چرا در عبارت «انسان موجود است» مفهوم «وجود» از مفهوم «انسان» جداست و جزء تعریف آن قرار نمی‌گیرد؟
۷۹. مقصود از این سخن که تفاوت «انسان» و «حیوان ناطق» صرفاً در اجمال و گستردگی شان است؛ چیست؟
۸۰. آیا حمل «دارای دو قطر مساوی» بر «مربع» از نظر نسبت، مانند حمل «دارای زاویه» بر «مستطیل» است یا خیر؟ چرا؟

هستی و چیستی

۱

| | | | | | |
|----|---|----|------|----|-------------|
| ۱ | غلط | ۲ | صحیح | ۳ | غلط |
| ۴ | غلط | ۵ | غلط | ۶ | غلط |
| ۷ | صحیح | ۸ | غلط | ۹ | صحیح |
| ۱۰ | صحیح | ۱۱ | صحیح | ۱۲ | صحیح |
| ۱۳ | غلط | ۱۴ | صحیح | ۱۵ | غلط |
| ۱۶ | صحیح | ۱۷ | صحیح | ۱۸ | صحیح |
| ۱۹ | غلط | ۲۰ | صحیح | ۲۱ | صحیح |
| ۲۲ | صحیح | ۲۳ | غلط | ۲۴ | غلط |
| ۲۵ | غلط | ۲۶ | صحیح | ۲۷ | وجود (هستی) |
| ۲۸ | توماس آکوئیناس | | | | |
| ۲۹ | فرق وجود و ماهیت | | | | |
| ۳۰ | ماهیت (چیستی) | | | | |
| ۳۱ | ماهیت (چیستی) | | | | |
| ۳۲ | ذاتیات | | | | |
| ۳۳ | مفهوم (معنا) | | | | |
| ۳۴ | وجود | | | | |
| ۳۵ | وجود-وجودشناسی | | | | |
| ۳۶ | هستی - چیستی (وجود و ماهیت) | | | | |
| ۳۷ | وجود - ماهیت | | | | |
| ۳۸ | مفهوم - موجود | | | | |
| ۳۹ | ذاتی - دلیل و علت | | | | |
| ۴۰ | جدا - جزء | | | | |
| ۴۱ | چیستی - نیست | | | | |
| ۴۲ | تجربه - عقل محض | | | | |
| ۴۳ | وجود و امکان | | | | |
| ۴۴ | ابن سینا - ابن رشد | | | | |
| ۴۵ | ارسطویی | | | | |
| ۴۶ | گزینه «۲» | | | | |
| ۴۷ | گزینه «۱» | | | | |
| ۴۸ | گزینه «۱» | | | | |
| ۴۹ | گزینه «۲». (در عبارت «پلاتین فلز است» حمل «فلز بودن» بر «پلاتین» یک «حمل ذاتی و ضروری» است و به دلیل نیاز ندارد؛ اما حمل «سردی» بر «زمستان» در عبارت «زمستان سرد است» و حمل «فانی بودن» بر «انسان» در عبارت «انسان فانی است» حمل ضروری نیست و به دلیل نیاز دارد.) | | | | |
| ۵۰ | الف) ۳ (ب) ۴ (ج) ۲ (د) ۱ (ه) ۵ | | | | |
| ۵۱ | وجود (هستی) و ماهیت (چیستی) | | | | |
| ۵۲ | ابن سینا- توماس آکوئیناس | | | | |
| ۵۳ | وجود (مطلق وجود) | | | | |
| ۵۴ | زیرا فلسفه، وجود و مسائل پیرامون «وجود» را بررسی می‌کند. | | | | |
| ۵۵ | درک دو مفهوم «هستی» و «چیستی» (وجود و ماهیت) و تعیین نسبت میان آن دو است. | | | | |
| ۵۶ | وجود، وجه مشترک و ماهیت، وجه اختصاصی آن‌ها است. | | | | |
| ۵۷ | فارابی - ابن سینا | | | | |

| | | | | | |
|----|--|--|--|--|--|
| ۵۸ | از طریق حس و تجربه و یا از طریق عقل محض به دست می‌آید. | | | | |
| ۵۹ | فرق بین ماهیت و وجود | | | | |
| ۶۰ | برهان وجوب و امکان | | | | |
| ۶۱ | اصل مغایرت وجود و ماهیت | | | | |
| ۶۲ | بیشتر متکی به دیدگاه‌های ابن سینا و تا حدودی ابن رشد | | | | |
| ۶۳ | تومیسسم | | | | |
| ۶۴ | از طریق ابن سینا و ابن رشد | | | | |
| ۶۵ | زیرا «شکل سه ضلعی» از اجزای تعریفی «مثلث» و چیستی آن است و گویای ذات و حقیقت مثلث است. | | | | |
| ۶۶ | در عبارت «انسان حیوان ناطق است» حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» یک «حمل ضروری» است و به دلیل نیاز ندارد؛ اما حمل «وجود» بر هر «چیستی» از جمله «انسان» نیازمند دلیل است. | | | | |
| ۶۷ | در عبارت «مثلث شکل سه ضلعی است» حمل «شکل سه ضلعی» بر «مثلث» یک «حمل ذاتی و ضروری» است و به دلیل نیاز ندارد؛ اما حمل «وجود» بر هر «مثلث» در عبارت «مثلث موجود است» رابطه ضروری نیست و به دلیل نیاز دارد. | | | | |
| ۶۸ | خیر؛ زیرا «حیوان» و «ناطق» از اجزای تعریفی «انسان» هستند و چیستی او را تشکیل می‌دهند و بیان‌کننده ذات و حقیقت انسان می‌باشند؛ یعنی ذات انسان چیزی جز همان «حیوان ناطق» نیست. به همین جهت، این دو مفهوم از یکدیگر جدایی ناپذیرند. | | | | |
| ۶۹ | زیرا این دو مفهوم از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها هستند و معمولاً در کنار هم به کار می‌روند. | | | | |
| ۷۰ | کودک با استفاده از کلمه «این» یا «آن» نشان می‌دهد که به «وجود» آن حیوانات پی برده است و می‌داند که آنها موجودند و هستند اما از «ماهیت» و «چیستی» آنها آگاه نیست. او می‌خواهد این حیوانات را بشناسد و از چیستی‌شان آگاه شود؛ یعنی می‌خواهد بداند این موجودات چه ویژگی‌هایی مخصوص به خود دارند که آنها را از دسته دیگر موجودات متفاوت و متمایز می‌کند. | | | | |
| ۷۱ | به این معنا نیست که آنها دو جزء از یک موجودند که با هم ترکیب یا جمع شده‌اند؛ آن‌گونه که اکسیژن و هیدروژن دو جزء تشکیل دهنده آب هستند. بلکه منظور این است که آب، موجودی واحد است که انسان، دو معنا و دو مفهوم مختلف چیستی (آب) و هستی (وجود داشتن آب) را از همین یک موجود به دست می‌آورد؛ یعنی در خارج، دو امر جداگانه به نام «آب» و «وجود» نداریم. به عبارتی: «آب» و «وجود» دو مفهوم مختلف و متفاوت از یک موجود هستند. | | | | |
| ۷۲ | تفاوت «انسان» و «وجود» از جهت مفهوم است یعنی «انسان» و «وجود» دو مفهوم مختلف و متفاوت از یک موجود واحد هستند. انسان با نظر به این دو جنبه، دو مفهوم چیستی (انسان) و هستی (وجود داشتن انسان) را به دست می‌آورد و در خارج، دو امر جداگانه به نام «وجود» و «انسان» نداریم. | | | | |

جهان ممکنات

۲

| | | |
|---|--|-------------------|
| ۸۱ صحیح | ۸۲ غلط | ۸۳ صحیح |
| ۸۴ صحیح | ۸۵ صحیح | ۸۶ صحیح |
| ۸۷ غلط | ۸۸ صحیح | ۸۹ صحیح |
| ۹۰ صحیح | ۹۱ غلط | ۹۲ غلط |
| ۹۳ صحیح | ۹۴ صحیح | ۹۵ صحیح |
| ۹۶ غلط | ۹۷ غلط | ۹۸ صحیح |
| ۹۹ غلط | ۱۰۰ غلط | ۱۰۱ صحیح |
| ۱۰۲ امکانی | ۱۰۳ بالغیر | ۱۰۴ ضروری و وجوبی |
| ۱۰۵ امتناعی | ۱۰۶ ضروری - وجوبی | |
| ۱۰۷ امتناعی | ۱۰۸ سه - وجوبی / امکانی / امتناعی | |
| ۱۰۹ وجوبی - امکانی - امتناعی | ۱۱۰ ذات - ماهیت | |
| ۱۱۱ امکانی | ۱۱۲ امکانی | |
| ۱۱۳ ممکن الوجود | ۱۱۴ ذاتاً | |
| ۱۱۵ علت (تامه) - وجود | | |
| ۱۱۶ ممکن الوجود - واجب الوجود بالغیر | | |
| ۱۱۷ واجب الوجود بالغیر | ۱۱۸ واجب الوجود بالغیر | |
| ۱۱۹ بالغیر - امکانی | ۱۲۰ گزینه «۱» | |
| ۱۲۱ گزینه «۱» | | |
| ۱۲۲ الف) ۲ (ب) ۵ (ج) ۱ | ۳ (د) ۴ (ه) | |
| ۱۲۳ الف) رابطه وجوبی (حتمی یا ضروری) | ب) انسان شاعر است. (هر مثال مناسب دیگر) | |
| ج) رابطه امتناعی (محال و غیرممکن) | ۱۲۴ آ) رابطه امتناعی (محال و غیرممکن) | |
| ب) رابطه امکانی (ج) رابطه امکانی | ۱۲۵ آ) رابطه امکانی | |
| ب) رابطه امتناعی (محال و غیرممکن) | ج) رابطه وجوبی (حتمی یا ضروری) | |
| ۱۲۶ آ) امکانی (ب) امتناعی | ج) امکانی | |
| ۱۲۷ آ) امتناعی (ب) وجوبی | ج) ممکن | |
| ۱۲۸ آ) ممتنع (ب) ممکن (د) واجب | | |
| ۱۲۹ آ) امکانی (ب) امکانی | ج) امتناعی | |
| ۱۳۰ آ) امکانی (ب) امتناعی | ج) امکانی | |
| ۱۳۱ واجب الوجود بالغیر | | |
| ۱۳۲ سه رابطه؛ رابطه وجوبی، رابطه امکانی و رابطه امتناعی | ۱۳۳ رابطه برخی از این موضوع‌ها با «وجود» می‌تواند رابطه امکانی، وجوبی یا امتناعی باشد. | |
| ۱۳۴ رابطه ضروری | ۱۳۵ رابطه امکانی | |
| ۱۳۶ رابطه امتناعی | ۱۳۷ رابطه امکانی | |

۷۳ | خیر. در عبارت «انسان حیوان ناطق است»، «حیوان ناطق» که محمول قضیه است، در تعریف انسان آمده است؛ و در حقیقت «حیوان» و «ناطق» از اجزای تعریفی انسان است و همان چیستی اوست و گویای ذات و حقیقت انسان می‌باشد؛ یعنی ذات انسان چیزی جز همان «حیوان ناطق» نیست. به عبارت دیگر، این دو مفهوم یعنی «حیوان ناطق» و «انسان» از یکدیگر جدایی ناپذیرند. هر انسانی حیوان ناطق است و هر حیوان ناطقی انسان است. اما در عبارت «انسان موجود است» مفهوم «وجود» از مفهوم «انسان» جداست و جزء تعریف آن قرار نمی‌گیرد. بنابراین، میان «انسان» به عنوان یک «چیستی» و «وجود» رابطه ذاتی برقرار نیست. بنابراین، حمل «وجود» بر هر «چیستی‌ای» از جمله «انسان» نیازمند دلیل است.

۷۴ | در عبارت «انسان موجود است» مفهوم «وجود» از مفهوم «انسان» جداست و جزء تعریف آن قرار نمی‌گیرد. بنابراین، میان «انسان» به عنوان یک «چیستی» و «وجود» رابطه ذاتی برقرار نیست. بنابراین، حمل «وجود» بر هر «چیستی» از جمله «انسان» نیازمند دلیل است. حال، این دلیل ممکن است از طریق حس و تجربه به دست آید یا از طریق عقل محض.

۷۵ | چون «حیوان ناطق» همان حقیقت و ذات «انسان» است. حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» جزء چیستی و ذاتیات خود اوست و به دلیل نیاز ندارد.

۷۶ | بله؛ چون مفهوم «انسان» به عنوان یکی از چیستی‌ها با مفهوم وجود مغایر است و رابطه ذاتی میان آنها برقرار نیست. پس برای اینکه مفهوم «وجود» را بر مفهوم «ماهیت» حمل کنیم، نیازمند دلیل هستیم تا بتوانیم بگوییم که «انسان موجود است». حال ممکن است این دلیل از طریق حس و تجربه شناسایی شود یا از طریق عقل محض.

۷۷ | حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» یک «حمل ذاتی و ضروری» است، چون «حیوان ناطق» همان حقیقت و ذات «انسان» است، حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» چیستی و ذاتیات خود اوست و لذا به دلیل نیاز ندارد.

۷۸ | زیرا میان «انسان» به عنوان یک «چیستی» و «وجود» رابطه ذاتی برقرار نیست. بنابراین، حمل «وجود» بر هر «چیستی» از جمله «انسان» نیازمند دلیل است.

۷۹ | مقصود این است که حیوان ناطق مفهوم گسترده انسان است و «انسان» همان اجمال «حیوان ناطق» می‌باشد.

۸۰ | بله؛ زیرا همان طور که حمل «دارای دو قطر مساوی» بر «مربع» یک حمل ذاتی و ضروری است، حمل «دارای زاویه» بر «مستطیل» نیز یک حمل ذاتی و ضروری است و به دلیل نیاز ندارد. (توضیح آنکه وقتی سؤال می‌کنیم «آیا هر مربعی دارای دو قطر مساوی است؟» یا «آیا هر مستطیلی دارای زاویه است؟» پاسخ آنها مثبت (بله) خواهد بود.)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ وَّعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

فلسفه (۲)

رشته‌های ادبیات و علوم انسانی – علوم و معارف اسلامی

پایه دوازدهم

دوره دوم متوسطه

در این جزوه متن کتاب درسی عیناً آمده است و پاسخ تمامی سؤالات امتحانات نهایی برگزار شده در آن مشخص شده است. برای مرور سریع در شب امتحان با این جزوه می‌توانید یک بار متن کتاب درسی را بخوانید و همزمان متوجه شوید که طراح از کدام قسمت کتاب، سؤال طرح کرده است.

فهرست

بخش ۱ پیرامون واقعیت و هستی

- ۳ درس ۱: هستی و چیستی
- ۴ درس ۲: جهان ممکنات
- ۶ درس ۳: جهان علی و معلولی
- ۸ درس ۴: کدام تصویر از جهان؟

بخش ۲ پیرامون خدا و عقل

- ۱۰ درس ۵: خدا در فلسفه - قسمت اول
- ۱۲ درس ۶: خدا در فلسفه - قسمت دوم
- ۱۵ درس ۷: عقل در فلسفه - قسمت اول
- ۱۷ درس ۸: عقل در فلسفه - قسمت دوم

بخش ۳ نگاهی اجمالی به سیر فلسفه در جهان اسلام

- ۲۰ درس ۹: آغاز فلسفه در جهان اسلام
- ۲۲ درس ۱۰: دوره میانی
- ۲۴ درس ۱۱: دوران متأخر
- ۲۶ درس ۱۲: حکمت معاصر



هستی و چیستی^۱

یکی از مباحث اولیه فلسفه، درک دو مفهوم «هستی» و «چیستی» (وجود و ماهیت) و تعیین نسبت میان آنهاست. این دو مفهوم از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها هستند و معمولاً در کنار هم به کار می‌روند. برای شناخت بیشتر این دو مفهوم و نسبت میان آنها، چند قدم برمی‌داریم تا در قدم آخر، به نتیجه مطلوب برسیم.

قدم نخست

به یاد می‌آوریم که از همان کودکی وقتی گرسنه و تشنه می‌شدیم، به سراغ غذا و آب می‌رفتیم تا نیازمان را برآورده سازیم، وقتی غمگین می‌شدیم و دلمان می‌گرفت، در کنار یکی از عزیزانمان پهلوی می‌گرفتیم تا روحمان آرامش یابد و اندوهمان برطرف گردد. آیا می‌توانید بگویید این رفتار طبیعی بیانگر چه حقیقتی است و کدام اصل فلسفی را در خاطر می‌آورد؟ آری، بیانگر آن است که می‌دانیم در اطراف ما چیزهایی واقعی هست که بر حسب نیاز از آنها استفاده می‌کنیم و نیازمان را برطرف می‌سازیم؛ یعنی قبول داریم که مثلاً غذا و آب واقعاً هست و می‌توان یا دست خود آنها را برداشت و از آنها استفاده نمود. یعنی:

ما انسان‌ها می‌دانیم که اشیا و موجوداتی پیرامون ما وجود دارند و می‌توانیم به آنها علم پیدا کنیم.

۲



قدم سوم

فارابی، فیلسوف بزرگ مسلمان، به نسبت میان «وجود» و «ماهیت» توجه ویژه‌ای کرد و در تمایز میان این دو مفهوم، نکاتی را مطرح نمود. ابن‌سینا، دیگر فیلسوف مسلمان، راه‌فارابی را ادامه داد و بیان کرد که وقتی می‌گوییم «هستی» و «چیستی» دو مفهوم از یک چیزند، به این معنا نیست که آنها دو جزء از یک موجودند که با هم ترکیب یا جمع شده‌اند؛ آن‌گونه که اکسیژن و هیدروژن دو جزء تشکیل‌دهنده آب هستند. از نگاه علم شیمی، آب، ترکیبی از دو عنصر اکسیژن و هیدروژن است و این نکته را از طریق یک آزمایش ساده به دست می‌آوریم. اما از نگاه فلسفی، آب، موجودی واحد است که انسان، دو معنا و دو مفهوم مختلف چیستی (آب) و هستی (وجود داشتن آب) را از همین یک موجود به دست می‌آورد؛ یعنی در خارج، دو امر جداگانه به نام «آب» و «وجود» نداریم. به عبارت دیگر:

«آب» و «وجود» دو مفهوم مختلف و متفاوت از یک موجود هستند.

تکمیل گزاره‌ها

- ۱ در اطراف ما اشیای فراوانی وجود دارند که هم «چیستی» آنها را می‌شناسیم و هم از «هستی»‌شان خبر داریم؛ مانند:
- ۲ برخی امور وجود دارند که از «هستی»‌شان خبر داریم اما «چیستی» آنها هنوز چندان برای ما روشن نیست؛ مانند:
- ۳ «چیستی»‌های فراوانی را هم می‌توانیم در ذهن خود حاضر کنیم؛ در حالی که می‌دانیم این امور، حداقل تاکنون در خارج موجود نشده‌اند؛ مانند:

گزاره‌های فوق، گرچه به مسائل روزمره ما مربوط می‌شوند و قضایای فلسفی نیستند، اما یک تبیین فلسفی دارند و می‌بینیم که فارابی و ابن‌سینا این تبیین فلسفی را از همین نوع گزاره‌ها ارائه کرده‌اند.

۱. شهریور ۱۴۰۰

۲



پیرامون واقعیت و هستی

در بخش اول کتاب، سال یازدهم، چیستی دانش فلسفه و رابطه آن با زندگی تبیین شد. در آنجا توضیح دادیم که موضوع دانش فلسفه «وجود» است و فلسفه، مسائل بنیادین و اساسی پیرامون «وجود» را بررسی می‌کند. در بخش دوم همان کتاب، یکی از مباحث اساسی فلسفه، یعنی «علم و معرفت»، مورد بحث و بررسی قرار گرفت و در یک نگاه تاریخی، نظر برخی از فلاسفه اروپایی و اسلامی، در این باره بیان گردید و مقایسه‌هایی هم صورت گرفت. اکنون، در بخش اول این کتاب به مباحث اصلی پیرامون حقیقت وجود، یعنی رابطه هستی و چیستی، جهان ممکنات و مفاهیم امکان و ضرورت و امتناع، علت و معلول و رابطه علت در جهان می‌پردازیم.

قدم دوم

پدری کودک خود را به باغ وحش می‌برد تا او را با حیوانات مختلف آشنا کند. حیوان بزرگ و تنومندی در همان ابتدا توجه کودک را جلب می‌کند و از پدر می‌پرسد: «این چیست؟» پدر می‌گوید: «این حیوان تنومند، فیل نام دارد و در جنگل‌های هند و آفریقا زندگی می‌کند. وزن این حیوان گاهی به ۶۰۰۰ کیلوگرم هم می‌رسد و به همین خاطر، سنگین‌ترین حیوان روی خشکی است.»



پس از عبور از این حیوان، نوبت به حیوان دوم می‌رسد. کودک سؤال قبلی خود را تکرار می‌کند و پدر درباره خصوصیات آن حیوان توضیحاتی، البته متفاوت با توضیحات قبلی، می‌دهد. این پرسش و پاسخ تا آخر بازدید از باغ وحش ادامه می‌یابد.

کودک با استفاده از کلمه «این» یا «آن» نشان می‌دهد که به «وجود» حیوانات پی برده است و می‌داند که آنها موجودند و هستند اما از «ماهیت» و «چیستی» آنها آگاه نیست. او می‌خواهد این حیوانات را بشناسد و از چیستی‌شان آگاه شود؛ یعنی می‌خواهد بداند این موجودات چه ویژگی‌های مخصوص به خود دارند که آنها را از دسته دیگر موجودات متفاوت و متمایز می‌کند. این ویژگی‌های مخصوص را در منطقی و فلسفه، ذاتیات یک شیء هم می‌گویند. به عبارت دیگر: ماهیت و چیستی هر شیء، بیان‌کننده ذاتیات آن شیء است.

پس می‌توانیم بگوییم:

- ۱ انسان در هر چیزی که مشاهده می‌کند، دو جنبه می‌یابد: «موجود بودن» و «چیستی داشتن».
- ۲ وجود، وجه مشترک موجودات است و ماهیت، وجه اختصاصی آنها.

۱. دی ۱۴۰۱ - شهریور ۱۴۰۰ - دی ۱۴۰۰ - شهریور ۱۴۰۱ - دی ۱۴۰۱ - خرداد ۱۴۰۱ - خرداد ۱۴۰۰ - خرداد ۹۹ - خرداد ۱۴۰۱ - خرداد ۱۴۰۰ - خرداد ۱۴۰۰ و شهریور ۹۹ - دی ۹۹

۳

قدم چهارم

ابن سینا برای این نظر خود که آن را «مغایرت وجود و ماهیت» نامیده، دلایلی ذکر کرده است. یکی از آن دلایل به شرح زیر می باشد:

اومی گوید در دو گزاره «انسان حیوان ناطق است» و «انسان موجود است»، حمل «وجود» بر «انسان» با حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» کاملاً متفاوت است.

در عبارت «انسان حیوان ناطق است»، انسان، به وسیله «حیوان ناطق» تعریف شده است؛ یعنی «حیوان» و «ناطق» از اجزای تعریفی انسان هستند و چستی او را تشکیل می دهند و بیان کننده ذات و حقیقت انسان می باشند؛ یعنی ذات انسان چیزی جز همان «حیوان ناطق» نیست. به همین جهت، این دو مفهوم از یکدیگر جدایی ناپذیرند؛ یعنی هر انسانی حیوان ناطق است و هر حیوان ناطقی انسان است. اصولاً لفظ «انسان» برای «حیوان ناطق» به کار می رود.

چون «حیوان ناطق» همان حقیقت ذات «انسان» است، حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» به دلیل نیاز ندارد؛ یعنی نمی توان پرسید چه عاملی باعث شد که شما «حیوان ناطق» را بر «انسان» حمل کنید؟

اما رابطه دو مفهوم «وجود» و «انسان» این گونه نیست. برای اینکه مفهوم «وجود» را بر مفهوم «انسان» حمل کنیم، نیازمند دلیل هستیم تا بتوانیم بگوییم «انسان موجود است». حال ممکن است این دلیل از طریق حس و تجربه شناسایی شود یا از طریق عقل محض. سایر ماهیت ها و چستی ها نیز نسبت به مفهوم وجود همین حالت را دارند.

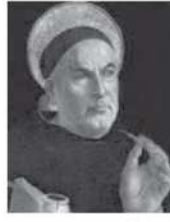
بنابر این مفهوم «انسان» به عنوان یکی از چستی ها با مفهوم وجود مغایر است و رابطه ذاتی میان آنها برقرار نیست.



کتاب شفا مهم ترین و جامع ترین اثر ابن سینا شامل منطق، طبیعت، ریاضیات و الهیات است. مؤلف در هر چهار قسمت به طور دقیق و کامل سخن گفته و مطالب لازم را درباره هر یک از این چهار علم به صورتی منظم و قابل استفاده در اختیار مخاطب قرار داده است.

بررسی

اگر مفهوم «وجود» عین مفهوم «ماهیت» یا جزء آن بود، آیا مشکل و مسئله ای پیش می آمد؟ پاسخ مثبت یا منفی خود را توضیح دهید.



توماس اکویناس در سال ۱۲۲۵ میلادی در نابل به دنیا آمد او حدود ۴۹ سال عمر کرد. او فعالیت علمی و دینی خود را در شهرهای پاریس، رم، نابل و کلن انجام داد. او یکی از رهبران برجسته کلیسای کاتولیک به شمار می آید. برجسته ترین فیلسوف و متکلم دوره قرون وسطی شمرده می شود. اکویناس با اندیشه ابن سینا آشنا بود و با پیروان ابن رشد در اروپا مشاجرات علمی فراوان داشت. وی از پیشگامان رویکرد عقلی در مسیحیت بود و تلاش می کرد عقاید مسیحیت را با دلایل عقلی همراه کند و عقاید و مراسم مسیحی را با عقل سازگار نماید. پاپ لویی سیزدهم در سال ۱۸۷۹م. فلسفه او را به عنوان سرمشقی برای تفکر مسیحی ستود. از آن پس اندیشه های توماس اکویناس مورد احترام کاتولیک ها بود و کمتر مورد نقد قرار می گرفت. او در سال ۱۲۷۴ از دنیا رفت.

بازبینی

به فعالیت «تکمیل کنید» برگردید و با توجه به بیان ابن سینا، به سؤال های زیر پاسخ دهید.

- آیا سه گزاره طرح شده، با بیان ابن سینا هماهنگ اند؟
- کدام گزاره نظر ابن سینا را بیشتر تأیید می کند؟

گذری تاریخی

به علت توجه خاص ابن سینا، این بحث با عنوان «مغایرت وجود و ماهیت» و یا با عنوان هایی مشابه، مقدمه طرح مباحث جدیدی قرار گرفت به گونه ای که گفته اند «فرق بین ماهیت و وجود بی تردید یکی از اساسی ترین آرا و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است.» این نظر، پایه ای یکی از برهان های ابن سینا در اثبات وجود خدا به نام برهان «وجود و امکان» نیز می باشد که در جای خود درباره آن سخن خواهیم گفت.

یکی از فیلسوفان بزرگ اروپا به نام «توماس اکویناس»، که با فلسفه ابن سینا آشنا بود، اصل مغایرت وجود و ماهیت را در اروپا گسترش داد و زمینه ساز گفت و گوهایی فراوانی در آنجا شد. او همچون ابن سینا این نظر را پایه برهان های خود در خدانشناسی قرار داد و پایه گذار مکتب فلسفی «تومیسیم» در اروپا شد که هنوز هم به نام وی در جریان است.

۱. خرداد ۱۴۰۰ - خراج - دی ۱۴۰۰ - خرداد ۹۹ خراج - شهریور ۹۹

۱. خرداد ۱۴۰۰ - خراج - دی ۱۴۰۰ - خرداد ۹۹ خراج
۲. خرداد ۱۴۰۱ - خراج - شهریور ۹۹ خراج
۳. خرداد ۱۴۰۱ - خرداد ۱۴۰۰ - خراج - دی ۹۹

گاج

او که در قرن ۱۳ میلادی زندگی می کرد، فلسفه ای را در اروپا پایه گذاری نمود که بیشتر متکی به دیدگاه های ابن سینا و تا حدودی «ابن رشد»، دیگر فیلسوف مسلمان بود. همین امر فرصتی را فراهم کرد تا فلاسفه غرب با اندیشه های فلسفی و عقلی ابن سینا و ابن رشد آشنا شوند و از این طریق، مجدداً با فلسفه ارسطویی ارتباط برقرار کنند.



ابو الولید محمد بن احمد بن رشد، معروف به ابن رشد در سال ۵۲۰ هجری قمری در قرطبه اندلس (اسپانیا) به دنیا آمد. او در علوم مختلف زمان خود تحصیل کرد. در علم طب، کتاب «الکلیات» را نوشت و در فلسفه، معروف ترین کتاب خود، یعنی «شرح مابعدالطبیعه» ارسطو را تألیف کرد. ابن رشد در سال ۵۹۵ هجری درگذشت و در قرطبه به خاک سپرده شد.

این نظر ابن سینا مورد توجه فلاسفه مسلمان نیز قرار گرفت و زمینه ساز گفت و گوهایی مهم فلسفی در جهان اسلام نیز گردید که تا امروز هم ادامه یافته است.

به کار ببندیم

- قضیه انسان موجود است را با کدام یک از قضایای زیر می توان مقایسه کرد؟
۱. انسان بشر است. ۲. انسان حیوان است. ۳. انسان مخلوق است.
- شبی علی و محمد در حال گفت و گو بودند. از دور، سایه چیزی شبیه یک حیوان نشسته را دیدند. علی گفت: آن یک «سگ» است، ولی محمد گفت: آن یک «گرگ» است، وقتی کمی نزدیک تر شدند، دیدند نه سگ است و نه گرگ، بلکه یک تخته سنگ است!
- به نظر شما چه نتیجه ای می توان در مورد نسبت میان چستی و هستی گرفت؟
- به گزاره های زیر توجه کنید و بگویید حمل کدام یک از محمول ها به موضوع ها نیازمند دلیل است و چرا؟
۱. انسان حیوان است. ۲. انسان شیر است. ۳. انسان عجول است.
۴. انسان ناطق است. ۵. انسان موجود است.
- آیا در قضیه «مثلث سه ضلعی است» حمل محمول بر موضوع نیاز به دلیل دارد؟ چرا؟

برای مطالعه بیشتر می توانید به منابع زیر مراجعه کنید.

- نهایه الحکمه، علامه طباطبایی.
- شرح میسوط منظومه، مرتضی مطهری، ج ۱.
- شرح بدایه الحکمه علامه طباطبایی، علی شیرازی، ج ۱، ص ۳۵ به بعد.
- مجموعه آثار مرتضی مطهری، ج ۵، ص ۱۵۹ و ج ۹ ص ۴۹.
- سرگذشت فلسفه، براین مکی، ص ۵۸.
- تاریخ فلسفه کاپلستون، ج ۲، ص ۴۲۹.

۱. خرداد ۱۴۰۱ - خراج - خرداد ۱۴۰۰ - خرداد ۱۴۰۰ - خراج - دی ۹۹

۲. خرداد ۹۹

۳. خرداد ۱۴۰۱ - شهریور ۱۴۰۰ - شهریور ۹۹

جهان ممکنات

در درس قبل تا اینجا پیش آمدیم که دانستیم مفهوم «وجود» از مفهوم ماهیت و چستی ها جداست و از ذاتیات آنها شمرده نمی شود. در این درس می خواهیم از این آموخته استفاده کنیم و آن را مبنای بحث دیگری قرار دهیم که در فلسفه اهمیت فراوانی دارد.

روزگاری انسان تصور می کرد که جهان طبیعت فقط از یک کهکشان راه شیری تشکیل شده است. تصاویر تلسکوپ فضایی هابل در اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی نشان داد که شمار کهکشان های جهان بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیارد است. اکنون گروهی از اخترشناسان نشان داده اند که این رقم باید ۱۰ برابر شود؛ یعنی حدود ۲۰۰۰ میلیارد.

تبدیل رقم ۲۰۰ میلیارد به ۲۰۰۰ میلیارد، در ظرف حدود ربع قرن، گویای آن است که این رقم می تواند ده برابر یا صد برابر و یا هزاران برابر گردد.



فضای کهکشانی

۸